

اثر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران^۱ (با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها)

نادر مهرگان^۲

مهدی خوش اخلاق^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۲

چکیده

در نظام مالی اسلامی عقد قرض الحسنه به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر بر کاهش نابرابری درآمد معرفی می‌شود، به گونه‌ای که با برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم‌درآمد نقش بسزایی را در عدم تمرکز ثروت بین ثروتمندان و بهبود درآمد بین نیازمندان ایفا می‌کند. هدف از این مقاله بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت بین تسهیلات قرض الحسنه به عنوان متغیر توضیحی و توزیع درآمد به عنوان متغیر وابسته است که با استفاده از داده‌های سری زمانی بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۶۳ و روش مدل خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL) مبتنی بر فرضیه کوزنتس مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مدل از متغیر سهم درآمدی دهکی به عنوان شاخص توزیع درآمد استفاده گردیده است، نتایج با رد فرضیه کوزنتس به طور کلی نشان‌دهنده اثر معنادار تسهیلات قرض الحسنه بر بهبود توزیع درآمد است، به طوری که یک واحد افزایش در تسهیلات قرض الحسنه منجر به 0/1594E-3 واحد بهبود توزیع درآمد در جامعه می‌شود و ضریب تصحیح خطا با مقدار ۰/۹۶ نیز نشان می‌دهد که در هر دوره ۹۶ درصد شوک وارده در کوتاه‌مدت به سمت مقادیر بلندمدت تعدیل می‌یابد، در این مطالعه ضمن تأکید بر احیاء سنت الهی قرض الحسنه پیشنهاد می‌گردد: با اجرای سیاست‌های تشویقی مناسب و بیان آثار معنوی و پاداش اخروی این عمل حسنه، انگیزه‌ی افراد را در سپرده‌گذاری این نوع از حساب‌ها بیش از گذشته افزایش داد و با کاهش نرخ ذخایر قانونی سپرده‌های قرض الحسنه و نظارت دقیق در واگذاری تسهیلات به اقشار نیازمند، در جهت بهبود توزیع درآمد و کاهش شکاف طبقاتی در جامعه گام برداشت.

واژگان کلیدی: تسهیلات قرض الحسنه، توزیع درآمد، دهک‌های درآمدی، مدل خودهمبستگی با وقفه‌های توزیعی
طبقه بندی F43, E25, C13, E31: JEL

۱. مقاله در راستای پایانامه با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر سهم سپرده‌های قرض الحسنه بانکی در

ایران" دانشگاه بوعلی سینا-همدان

mehregannader@yahoo.com

۲. استاد گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا،

Me.khoshakhlagh@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری رشته علوم اقتصادی،

مقدمه

توزیع درآمد از جمله موضوعات اصلی و اساسی در علم اقتصاد به خصوص کشورهای در حال توسعه می باشد به گونه ای که همواره مورد توجه دولتمردان و سیاستمداران در این کشورها قرار می گیرد، چرا که در ادبیات توسعه یکی از شاخصه های اصلی کشورها چگونگی نحوه ی توزیع درآمد میان اقشار مختلف جامعه به جهت کاهش فاصله طبقاتی بیان می شود؛ در ایران نیز همواره مسئله توزیع درآمد همراه با رشد اقتصادی یکی از دغدغه های اقتصادی دولت بوده است به طوری که در برنامه های توسعه سال های پس از انقلاب اسلامی آمده است: "برنامه های توسعه علاوه بر تأمین و گسترش عدالت اجتماعی باید با رشد تولید را به همراه آورند" (مهرگان و همکاران، ۱۳۸۷). اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را تخصیص نامناسب منابع به گروهی و محروم ساختن دیگران و نیز به کار نگرستن توان انسان در بهره برداری از منابع طبیعی می داند. بدین سبب برای از میان بردن مشکل اول، بر توزیع مناسب درآمد تأکید می ورزد و برای رفع مشکل دوم، در جهت ایجاد انگیزه های کار و تلاش گام برمی دارد. مطلوب نهایی اسلام در توزیع درآمد، مواسات و ایثار است. (صدر، ص ۴۲۶-۴۲۴)

در نظام مالی اسلامی با توجه به حرمت ربا در معاملات، عقد قرض الحسنه همواره به عنوان جایگزینی مؤثر و اصلی در جهت تعدیل ثروت طبقه مرفع و نیز کمک به اقشار نیازمند به جهت تأمین مالی در فعالیت های اقتصادی معرفی می شود و این امر تا آنجا مورد توجه بوده که به جهت رغبت و گسترش آن، آثار مادی و معنوی فراوانی ذکر شده است. اسلام معتقد است، آنچه دوام و بقای هر حکومتی به آن وابسته است ایجاد زمینه های بسط عدالت در جامعه است و از لوازم اصلی حرکت به سوی رشد و کمال از بین بردن فقر و تبعیض در جامعه و ایجاد وسعت در معیشت برای زندگی مردم است (تابلی و کوچک زاده، ۱۳۹۲) لذا با توجه به چنین اهدافی بانکداری اسلامی در سطح جهان طی سالهای اخیر گسترش شتابانی یافته و ابزارهای مالی و بانکی مطابق با شریعت اسلام نیز جهان اسلام را به سرعت در نور دیده اند (نوری احمدآبادی، ۱۳۹۰، ص ۲) که تسهیلات قرض الحسنه یکی از این ابزارها می باشد.

بیان مسئله

طبق قانون بانکداری بدون ربا و بیان قانونگذاران از طراحی رابطه میان سپرده گذاران سپرده های دیداری و پس انداز با بانک ها براساس عقد قرض الحسنه معرفی می کند که در آن هدف سودآوری بانک ها نمی باشد؛ بلکه بانک ها صرفاً واسطه ای میان سپرده گذاران و نیازمندی هستند که این تسهیلات را تقاضا می کنند، و در این چارچوب وظیفه ای جز واسطه گری میان دو گروه تقاضاکننده و عرضه کننده این وجوه

را ندارند، با توجه به تحقق هدف های بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای رفع احتیاج های اشخاص حقیقی و همچنین بر طبق ماده ۱۴ قانون بانکداری بدون ربا و آیین نامه اجرایی مربوط، بانکها مجازند در موارد زیر اقدام به اعطای قرض الحسنه کنند :

الف) به شرکتهای تولیدی و خدماتی که فعالیت آنها اشتغالزا و در جهت تامین مایحتاج ضروری جامعه است.

ب) به افرادی که به طور مستقیم به امور کشاورزی و دامپروری بپردازند.

ج) برای رفع نیازهای افراد در موارد هزینه های ازدواج، تهیه جهیزیه، درمان بیماری، تعمیرات مسکن، کمک هزینه تحصیلی، کمک برای ایجاد مسکن در روستاها؛ که در این خصوص مدت بازپرداخت قرض الحسنه های تولیدی حداکثر پنج سال و قرض الحسنه های اعطایی برای رفع نیازهای شخصی سه سال است. بانکها به منظور اطمینان یافتن از وصول مطالبات، تامین کافی از مشتری می گیرند و حق دارند از بابت اعطای قرض الحسنه دو و نیم درصد کارمزد دریافت کنند.^۱

حال با توجه به گذشت حدود سی سال از تصویب و اجراء قانون بانکداری بدون ربا و اهتمام قانون گذار به مبادرت به عقود قرض الحسنه معاملات و پرداخت تسهیلات قرض الحسنه، در این مقاله با بررسی داده های سری زمانی سال های ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۱ به دنبال پاسخ این سؤال می باشیم که، آیا تسهیلات قرض الحسنه اثر مؤثری بر بهبود توزیع درآمد و کاهش شکاف طبقاتی در ایران داشته است ؟

مروری بر مطالعات تجربی

مطالعات خارجی

سر آغاز بررسی و مطالعات رابطه متغیرهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد، از مطالعه کوزنتس^۲ (۱۹۵۵) آغاز می شود. مطالعات بعدی نیز نظیر الوالیا^۳ (۱۹۷۶)، پاپانک و کین^۴ (۱۹۸۶)، رام^۵ (۱۹۸۸) کامپونا و سالواتوره^۶ (۱۹۸۸)، آناد و کانبور^۷ (۱۹۹۳) به پیروی از کوزنتس سعی در بررسی رابطه میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد نمودند. حجم مطالعات صورت گرفته نشان دهنده فصل جدیدی از بررسی توزیع درآمد و ارائه طریق، برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی است.

۱. قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۲. Kuznets

۳. Elvalya

۴. Papanek & Kyn

۵. Ram

۶. Campano & Salvatore

۷. Anand & Kanbur

در این میان مطالعات گسترده دیگری نیز در ارتباط با عوامل مؤثر بر نابرابری انجام شده است که به طور نمونه می توان به مطالعه چاو و همکاران^۱ (۲۰۰۰)، ایسلند و همکاران^۲ (۲۰۰۵) و اولالا و ولا^۳ (۲۰۰۵) اشاره کرد.

محمد عبده و موهده عظمی عمر^۴ (۲۰۱۲) در مطالعه ای به بررسی رابطه کوتاه مدت و بلندمدت بین بانکداری اسلامی و توسعه اقتصادی برای کشور اندونزی پرداختند. برای این منظور آنها از داده های فصلی سالهای ۲۰۱۰-۲۰۰۳ با استفاده از مدل هم انباشتگی و مدل تصحیح خطا^۵ (ARDL) استفاده کردند. نتیجه های به دست آمده از مدل نشان دهنده وجود رابطه بلندمدت و معناداری بین بانکداری اسلامی و رشد و توسعه اقتصادی بود.

حافظ فرگانی و راتان مولیانی^۶ (۲۰۰۹) به بررسی تقابل پویا بین بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی در کشور مالزی با استفاده از مدل تصحیح خطای برداری و آزمون همانباشتگی پرداختند. برای این منظور آنها از داده های سری زمانی تسهیلات مالی بانکداری اسلامی و تولید ناخالص داخلی، سرمایه ثابت و فعالیتهای مبادله ای بانکها برای دوره ۱۹۹۷-۲۰۰۵ استفاده کردند. نتایج نشان دهنده این بود که در کوتاه مدت فقط سرمایه ثابت، علیت گرنجری برای رشد بانکداری اسلامی بوده است و این در حالی است که در بلندمدت یک رابطه دوطرفه بین بانکداری اسلامی و سرمایه ثابت درباره رشد اقتصادی وجود داشت.

مطالعات داخلی

کميجانی و محمدزاده (۱۳۹۳) با استفاده از الگوهای عوامل مؤثر بر ضریب جینی و سهم بیستک های درآمدی به بررسی "تأثیر تورم بر توزیع درآمد و عملکرد سیاست ای جبرانی" پرداختند. الگوی ضریب جینی با استفاده از روش حداقل مربعات (OLS) و الگوی عوامل مؤثر بر بیستک ها با استفاده از روش رگرسیون های به ظاهر نامرتبط (SUR) برآورد شدند. نتایج حاصل از برآورد مدل شاخص جینی نشان داد متغیرهای تورم، بیکاری، مخارج دولت و نسبت سهم ۱۰ درصد گروه درآمدی بالا به ۱۰ درصد فقیر روی نابرابری تأثیر منفی داشته و با افزایش یارانه کالاهای اساسی و سهم ۴۰ درصد فقیر نابرابری بهبود می یابد. همچنین نتایج حاصل از الگوی عوامل مؤثر بر بیستک ها نشان داد که افزایش نرخ تورم، نرخ بیکاری، یارانه کالاهای اساسی و نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمند به

1. chav & et al
2. Island and et al.
3. Aolala & Vela
4. Abduh & Azmi Omar
5. Auto Regressive Distributed Lag
6. Furqani & Mulyany

۱۰ درصد فقیر به نفع بیستک های با درآمد بالا بوده و به افزایش نابرابری منجر می شود و افزایش در سهم ۴۰ درصد فقیر به نفع بیستکهای با درآمد پایین بوده و به کاهش نابرابری می انجامد. موسویان و ورمزیاری (۱۳۹۲) با استفاده از مدل خودهمبسته با وقفه های توزیعی (ARDL) به بررسی ارتباط بین تأمین مالی بانکداری بدون ربا و رشد اقتصادی در ایران به وسیله داده های فصلی طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۰ پرداختند، که نتایج بدست آمده نشان دهنده اثر معنادار بانکداری بدون ربا بر روی رشد اقتصادی ایران بود.

تابلی و کوچک زاده (۱۳۹۲) در بررسی عوامل موثر بر توزیع درآمد در ۸ کشور اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۰، از متغیرهای ضریب جینی، سهم درآمد مالیاتی از تولید ناخالص داخلی، سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و تورم استفاده نمودند؛ مدل نهایی با استفاده از روش داده های ترکیبی برآورد شد. طبق نتایج به دست آمده فرضیه کوزنتس در میان کشورهای اسلامی قابل رد نبود.

بختیاری و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مطالعه خود به بررسی نابرابری درآمدی از دیدگاه اسلامی و تاثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران پرداختند و نتایج مطالعه نشان داد که افزایش ضریب جینی و افزایش نابرابری تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد اما اشتغال، سرمایه گذاری، پیشرفت تکنولوژی و سرمایه انسانی نقش مثبتی در رشد اقتصادی دارد.

غفاری (۱۳۹۰) مکانیسم عملکرد صندوق های قرض الحسنه بر توزیع درآمد را در دو سیستم مختلف بررسی کرد: یکی صندوق تعاون قرض و دیگری صندوق معاونت قرض؛ در صندوق تعاون قرض، قرض دهندگان که از یک طبقه درآمدی هستند، وجهی را به عنوان سپرده در اختیار صندوق قرار می دهند تا پس از جمع آوری، در صورت تحقق شرایط معین به اعضا وام داده شود؛ و در صندوق معاونت قرض، قرض دهندگان از طبقات درآمدی بالاتری هستند و جهت یاری رساندن به طبقات پایین تر درآمدی، با مسدود کردن موقت یا دائمی نقدینگی خود، آن ها را در اختیار صندوق قرار می دهند تا به افراد خاص یا به افرادی که صندوق تشخیص می دهد، قرض بدهند، وی بیان می کند که در صندوق تعاون قرض به افراد عضو این امکان داده می شود که پس اندازهای کوچک را به صورت کارایی در جهت رفع نیازهای اساسی خود به کار گیرند و لذا فاصله بین فقیر و غنی کاسته می شود. همچنین در نهاد معاونت قرض نیز با توجه به این که ثروتمندان اقدام به قرض دادن می کنند، رفع فاصله طبقاتی و ایجاد توازن اقتصادی صورت می گیرد

محقق نیا (۱۳۸۹) با بررسی آمار و اطلاعات موجود در مورد عملکرد نظام بانکی جمهوری اسلامی در تجهیز و تخصیص قرض الحسنه در سال های ۶۳-۱۳۸۷ بیان می کند که نظام بانکی نتوانسته است در جذب و تخصیص قرض الحسنه موفق باشد؛ چرا که در بخش تجهیز سپرده ها، سهم

سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز از کل سپرده‌های بانکی روندی کاهشی داشته و از ۲۵ درصد در سال ۱۳۶۳ به حدود ۹ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است. در بخش تجهیز منابع نیز نظام بانکی در این دوره به طور متوسط اندکی بیش از نیمی از سپرده‌های قرض الحسنه را به پرداخت قرض الحسنه اختصاص داده و این نرخ با کنار گذاشتن سپرده‌های قرض الحسنه مسکن به حدود هفتاد درصد می‌رسد. وی نقش دولت را برای برنرفتن از این مشکل جدی و مؤثر دانسته و پیشنهاد می‌کند که نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های پس‌انداز قرض الحسنه به حداقل برسد.

ابونوری و همکاران (۱۳۸۷) به بررسی الگوی میان کشوری عوامل مؤثر بر توزیع درآمد، با استفاده از اطلاعات ۲۰ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی پرداختند. برای این منظور ابتدا اطلاعات مقطعی ضریب جینی، سهم درآمد مالیاتی از تولید ناخالص داخلی، سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و تورم ۲۰ کشور اسلامی جمع‌آوری و سازماندهی شد، سپس الگوی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) برآورد گردید. براساس نتایج این پژوهش، فرضیه کوزنتس در میان اقتصاد کشورهای اسلامی را نمیتوان رد نمود.

طیبی و همکاران (۱۳۸۷) به ارزیابی رابطه بین رشد اقتصادی، شاخص‌هایی در بانکداری اسلامی و نابرابری در اقتصاد کشورهای منتخب اسلامی پرداختند. در این تحقیق با تصریح اقتصادی یک مدل رگرسیون و شناسایی عوامل تاثیرگذار بر متغیر جایگزین نابرابری (یعنی ضریب جینی) بویژه عملکرد سیستم بانکداری غیر ربوی در کشورهای منتخب اسلامی، در دوره زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ نتایج بدست آمده، حکایت از تاثیرگذاری سیستم بانکداری غیر ربوی، در کشورهای منتخب، در کاهش فقر و سطح نابرابری اقتصادی دارد.

احمدی و همکاران (۱۳۸۷) قرض الحسنه را به عنوان ابزاری مناسب در جهت تحقق روش تکلی «حرمت ربا» در نظام اقتصادی اسلام بیان می‌کند و با بررسی عملکرد نهاد قرض الحسنه در سطح تسهیلات بانک‌ها نشان می‌دهند که سهم تسهیلات قرض الحسنه از کل تسهیلات اعطایی بانک‌ها در سال‌های پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا روندی کاهشی داشته است؛ ایشان در مورد اثرگذاری قرض الحسنه بر توزیع درآمد بیان می‌کنند که قرض الحسنه با انتقال دوره‌ای درآمدها از ثروتمندان به نیازمندان و عدم درخواست سود منافی را برای نیازمندان به دنبال خواهد داشت و وضعیت توزیع درآمد را دست خوش تغییر قرار خواهد داد. همچنین قرض الحسنه با اثرگذاری طولی که خواهد داشت علاوه بر تأمین نیازهای اساسی با تغییر الگوی تولید، ایجاد اشتغال و کاهش انحصارات آثار ثانویه‌ای خواهد داشت که در جهت برابر سازی توزیع درآمد عمل خواهد کرد.

جندقی میبدی (۱۳۸۷) عقود سیزده گانه موجود در سیستم بانکی به همراه ویژگی‌های آنها را

بیان کرده و سپس بر اساس دسته بندی صورت گرفته از این عقود (قرض الحسنه، عقود مبادله ای، عقود مشارکتی)، رابطه احتمالی هر کدام را با فقر شرح دادند و نهایتاً به این نتیجه رسیدند که قرض الحسنه و عقود مشارکتی، می توانند به کاهش فقر در جامعه کمک کنند و عقود مبادله ای اگرچه کاربرد ساده تری نسبت به عقود ذکر شده دارند اما به دلیل بازدهی ثابت و از قبل تعیین شده، عملاً سیستم بانکی را ربوی می کنند؛ بنابراین نمی توانند به ما در نیل به هدف اجتماعی و اقتصادی اسلام کمک نمایند.

ابونوری و قاسمی تازه آبادی (۱۳۸۶) با استفاده از داده های پانل بین استانی "با تاکید به نقش اهمیت تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در استانهای کشور به ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض الحسنه بر توزیع درآمد از داده های پانلی (ترکیبی) بین استانی استفاده کرد و برای تشخیص نوع مدل، آزمون F لیمر اجرا شده است. از این میان ارزش افزوده قرض الحسنه در استان تهران با دیگر استانها تفاوت فراوانی دارد، از دو مدل برای برآورد استفاده شده است: برآورد نخست شامل استان تهران و برآورد دیگر بدون استان تهران. نتیجه های حاصل، حاکی از آن است که فعالیت صندوقهای قرض الحسنه، با فرض ثابت ماندن دیگر عوامل، در اکثر استانهای کشور اثر کاهشی بر نابرابری توزیع درآمد داشته است.

عرب مازار و کیقبادی (۱۳۸۵) بیان می کنند که سهم سپرده های قرض الحسنه از کل سپرده ها از ۲۵ درصد به تدریج کاهش یافته و طی چند سال اخیر در حدود ۱۰ درصد ثابت مانده است، علت آن را به طور عمده در کاهش ارزش مدام سپرده های بانکی در اثر تورم و تمایل مردم به سپرده گذاری در حساب های سرمایه گذاری مدت دار جهت کسب سود (حفظ ارزش سپرده) دانسته اند. از سویی سهم تسهیلات قرض الحسنه از کل تسهیلات پرداختی نظام بانکی به طور میانگین ۶ درصد بوده است. به عبارت روشن تر نظام بانکی کشور طی سال های مورد بررسی با احتساب ذخیره های قانونی به طور میانگین حدود ۶۰ درصد از سپرده های قرض الحسنه را صرف پرداخت تسهیلات قرض الحسنه کرده است. یکی از علل کاهش سهم سپرده های قرض الحسنه در نظام بانکی، رونق گرفتن صندوق های قرض الحسنه ارزیابی شده است به طوری که این صندوق ها توانسته اند، معادل ۶۰ درصد ارزش سپرده های قرض الحسنه در نظام بانکی را طی سال ها تجهیز کنند.

علی رقم مطالعات انجام شده در خصوص اهمیت متغیرهای کلان اقتصادی بر توزیع درآمد و همچنین بانکداری اسلامی و اهمیت سازوکار تسهیلات قرض الحسنه اما تاکنون هیچ مطالعه ای به طور خاص و کمی در خصوص ارتباط این نوع از عقود بر توزیع درآمد صورت نگرفته است.

مبانی نظری

فرضیه کوزنتس

کوزنتس (۱۹۵۵) با بررسی اثر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد پایه گذار بررسی اثرات متغیرهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد شد. نتایج وی حاکی از آن بود که در مسیر اقتصادی هر کشور، نابرابری درآمدی نخست افزایش یافته و پس از ثابت ماندن در سطح معینی، به تدریج کاهش می یابد. این الگو بعد ها به نام منحنی «U وارون کوزنتس» معروف شد. این نظر بعد ها از سوی بسیاری از محققان تایید یا رد شد. توزیع درآمد و جهت گیری اقتصادی به منظور تقسیم عادلانه امکانات بین اقشار مختلف جامعه از جمله مواردی است که دستیابی به آن مستلزم استفاده صحیح از ابزارهای اقتصادی است که از جمله مهم ترین این ابزارها می توان از سیاست های مالی نام برد (مهرگان و محسنی، ۱۳۸۶) یکی از اهداف اقتصادی دولت بهبود توزیع درآمد است. کوزنتس همچنین عنوان کرد که شکاف درآمدی در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته است و سهم طبقات پر درآمد در کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای صنعتی است. به بیان دیگر خانوارهایی که دارای ۵ درصد بالاترین درآمد در کشورهای در حال توسعه می باشند بیشتر از ۳۰ درصد از درآمد را دریافت می کنند، در صورتی که این نسبت در کشورهای توسعه یافته در حدود ۲۰ الی ۲۵ درصد است. همچنین سهم گروه های متوسط در کشورهای توسعه یافته بیش از کشورهای در حال توسعه است. کوزنتس در بلندمدت مشاهده کرد پس از آنکه رشد اقتصادی به سطح مشخصی می رسد، نابرابری رو به کاهش می گذارد. وی رشد اقتصادی را فرآیند گذار از اقتصاد سنتی (روستایی) به اقتصاد نوین (شهری) می داند و نتیجه می کند که در مراحل اولیه رشد، توزیع درآمد رو به وخامت می گذارد زیرا تعداد کمی از مردم این توانایی را دارند که به بخش نوین یا مدرن منتقل شوند و بدین روی اختلاف سطح دستمزد بین بخش سنتی و نوین زیاد است. در مرحله بعدی رشد، توزیع درآمد رو به بهبود می گذارد، زیرا شمار بیشتری از مردم، جذب بخش نوین می شوند و به تدریج، به دلیل کمیابی نیروی کار در بخش سنتی، سطح دستمزد در این بخش نیز افزایش می یابد و به سطح دستمزد بخش نوین نزدیک می شود.

از لحاظ نموداری فرضیه کوزنتس بیانگر رابطه U معکوس بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد است که شکل ریاضی منحنی کوزنتس را می توان به صورت زیر نوشت.

$$G_t = a_0 + a_1 Y_t + a_2 Y_t^2 + U_t$$

فرضیه توزیع درآمد کوزنتس زمانی صادق است که ضرایب a_1 و a_2 معنی دار و علامت این ضرایب به ترتیب مثبت و منفی باشد.

در این مقاله ما متغیر تسهیلات قرض الحسنه را به عنوان یکی دیگر از متغیرهای توضیحی اثرگذار بر توزیع درآمد در نظر می گیریم و وارد مدل می کنی؛ از این طریق می توان نشان داد که

افزایش یا کاهش سطح تسهیلات قرض الحسنه چه تأثیری بر نابرابری درآمدی دارد. همچنین برای شناسایی دقیق اثرگذاری تسهیلات قرض الحسنه بر توضیح درآمد از شاخص سهم نسبی درآمدی دهکی (که شدت نسبی نابرابری درآمدی میان پردرآمدترین و کم درآمدترین دهک های جامعه را اندازه گیری می کند) به عنوان متغیر وابسته استفاده می کنیم.

مبانی نظری قرض الحسنه در ادبیات اقتصاد اسلامی

قرض الحسنه از جمله نهادهایی است که می تواند سهم مؤثری در تأمین هدف های اقتصادی کشورهای اسلامی داشته باشد. چون در جامعه اسلامی وام دهنده قسمتی از درآمد قابل تصرف خود را به قرض الحسنه اختصاص می دهد، انتظار می رود که استمرار و گسترش آن باعث شود که در هر مقطع زمانی سهمی از درآمد افراد کوشا با رضایت جهت یاری در اختیار شهروندان نیازمندان قرار گیرد. قرض الحسنه نوعی بازتوزیع اختیاری درآمد است. توزیع مناسب درآمدها باعث ثبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و زمینه ساز بستری مناسب برای برنامه ریزی با ثبات و هدفمند اقتصادی است (ابونوری و تازه آبادی، ۱۳۸۷). در این جهت، اثر نهاد قرض الحسنه بر توزیع درآمد شامل ویژگی های ذیل است: (هادوی نیا، ۱۳۷۸).

ا. قرض الحسنه برخلاف مالیات ها سبب انتقال درآمد افراد به دولت نمی شود. بنابراین، تخصیص بهینه آنها در جهت عدالت اقتصادی اجتماعی به وجود برنامه های مناسب در چارچوب بودجه های عمومی منوط نیست؛

ب. قرض الحسنه با مبانی توزیع درآمد در اسلام، هماهنگی دارد. در این جهت با احترام کامل به مالکیت خصوصی، اعطا کننده وجوه خود را با آزادی و انتخاب در اختیار دیگران قرار می دهد و از این عمل کسب مطلوبیت می کند؛

ج. در اثر اختصاص مبلغ به خرید کالاهای ضرور و اساسی زمینه رشد تولید کالاهای ضرور و اشتغال فراهم می شود. بنابراین، انتظار می رود که قرض الحسنه، الگوی تولید را متناسب با نیاز واقعی جامعه های توسعه نیافته جهت دهد؛

د. قرض الحسنه شاخص های توزیع مطلوب را داراست:

۱. انگیزه های کوشش برای تولید بیشتر و رشد را از بین نمی برد؛
۲. قرض الحسنه پس از اعمال سازوکار قیمت ها در محدوده تولید های مباح مطرح می شود، بنابراین مانع عملکرد این ابزار در اقتصاد جامعه نمی شود؛
۳. چون رفع نیاز یکی از ارکان شکل گیری قرض الحسنه است؛ بنابراین، در کاهش نگرانی و افزایش امید به زندگی اثربخش بوده و کوشش بیشتر را در زندگی روزانه جامعه باعث می شود.

ه. به جهت سازوکار بازار، قرض الحسنه تولیدی شرایطی را پدید می آورد که سهم بیشتری نصیب افراد کوشا اما بدون سرمایه از ارزش تولید شود، در نتیجه، تزریق درآمد در دهک های پایین تر فراهم می شود. اثر قرض الحسنه بر توزیع درآمد را در دو نگرش می توان توضیح داد:

در نگرش خرد، اگر فرد در آغاز دوره نخست برای رفع نیاز ضرور خود وام نگیرد، باید اندک اندک پس انداز کند و در انتهای این دوره نیازش را رفع کند. پس در واقع، بدون قرض، به اندازه طول زمان کسب درآمد از امکان مصرفش کاسته می شود. اگر قرض بگیرد می تواند از آغاز همان دوره نخست بر درآمد قابل تصرف و در نتیجه مصرف خود بیفزاید. گرچه وی باید با اختصاص تدریجی پس انداز، وام را در پایان دوره پرداخت کند. بنابراین، با نگرش خرد، قرض الحسنه زمان برخورداری از درآمد و مصرف در طول دوران زندگی را افزایش می دهد.

در نگرش کلان باید به روش قرض توجه کرد، چون صندوق تعاون به طور معمول در میان افرادی با سطح درآمدهای به طور تقریبی یکسان شکل می گیرد، اثر آن افقی است. این نظام سبب می شود، درآمدی که در هر دوره به طبقه های کم درآمد اختصاص می یابد، در اثر تبدیل به کالای بادوام، درون همان طبقه جاری شود و به طبقه دیگر منتقل نشود. اما صندوق معاونت قرض الحسنه بر توزیع درآمد اثر عمودی دارد. زیرا، در این نهاد افراد با دهک های بالا بخشی از مال خود را جدا کرده و به افراد در دهک های پایین اختصاص می دهند. با چنین نگرشی می توان گفت که در نهاد قرض، چه به صورت تعاون و چه در قالب معاونت، نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه های کم درآمد و خرج کردن آن در اقتصاد ملی وجود دارد. البته این روند وقتی در تحقق عدالت اجتماعی اثرهای مثبت خواهد داشت که با کشش پذیری عرضه قابلیت ظرفیت تولیدی آزاد، درباره کالاهای ضرور همراه باشد، و گرنه با بالا رفتن تقاضا برای این کالاهای، سطح قیمت ها فزونی یافته و اثرهای توزیعی قرض خنثی می شود.

قرض الحسنه در قرآن کریم

از دیدگاه اقتصاد اسلامی توزیع مناسب و عادلانه درآمد یکی از مصادیق عدالت اجتماعی است. به همین منظور ایجاد عدالت توزیعی در جامعه به عنوان یکی از راهکارهای مهم رسیدن به عدالت اجتماعی در این دیدگاه مدنظر قرار گرفته است. (ابراهیمی سالاری، ۱۳۸۷) و در قرآن کریم و روایات معصومین (ع)^۱ همواره با بیان پاداش دنیوی و اخروی این فریضه دینی، افراد را به انجام آن

۱. رسول خدا فرمودند: «کسی که به برادر مسلمان خود قرض دهد، در برابر هر دره می که قرض داده به اندازه کوه های احد، رضوان و سینا پاداش خواهد داشت و اگر برای وصول طلب خود با بدهکار مدارا کند، از پل صراط همانند برق جهنده، بدون حساب و عذاب عبور خواهد کرد» (شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقابها، ص ۴۱۴)

تشویق می کنند. در ادامه به بیان تعدادی از این موارد اشاره می کنیم:

۱. مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهَوَلَةِ أَجْرٍ كَرِيمٍ

کیست که به خدا قرض نیکو دهد تا خدا بر او چندین برابر گرداند و او را پاداشی با لطف و کرامت باشد؟ (حدید آیه ۱۱)

۲. مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً...

کیست که در راه خدا قرض الحسنه دهد تا برای او چندین و چند برابرش کنند و خداوند تنگنا و گشایش (در معیشت مردم) پدید می آورد (بقره آیه ۲۴۵)

۳. إِنْ تَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَعِفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ خَلِيمٌ

اگر به خدا قرض الحسنه دهید آنرا برای شما مضاعف می سازد، و شما را می بخشد و خداوند شکر کننده و بردبار است. (تغابن آیه ۱۷)

۴. إِنْ الْمُصَدِّقِينَ وَ الْمُصَدِّقَاتِ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَعِفْ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ

«مردان و زنان انفاق کننده و آنها که (از این طریق) به خدا قرض الحسنه دهند برای آنها مضاعف می شود و پاداش پرارزشی دارند. (حدید آیه ۱۸)

معرفی مدل

در این مقاله بر پایه نظریه کوزنتس، مدل با عرض از مبدأ زیر را برای تعیین اثر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد ارائه می شود:

$$Sn = f(Y_p, Y_p^2, A)$$

جدول ۱. معرفی داده ها و متغیرهای مدل

عنوان متغیر	نماد	توصیف متغیر	منبع داده های متغیر
شاخص نابرابری (توزیع درآمد)	Sn	شاخص سهم نسبی درآمدی دهکی که براساس سهم ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین محاسبه گردیده است.	گزارش های اقتصادی و ترازنامه های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
درآمد سرانه	Y_p	جهت اندازه گیری این متغیر از نسبت درآمد ملی (به قیمت پایه سال ۱۳۸۳) به جمعیت استفاده شده است.	گزارش های اقتصادی و ترازنامه های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
مجذور درآمد سرانه	Y_p^2	مجذور نسبت درآمد ملی (به قیمت پایه سال ۱۳۸۳) به جمعیت	گزارش های اقتصادی و ترازنامه های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
حجم تسهیلات قرض الحسنه	A	حجم تسهیلات قرض الحسنه اعطایی در نظام بانکداری کشور	گزارش های اقتصادی و ترازنامه های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

روش مطالعه

در این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی به دنبال آزمون این فرضیه هستیم: «هر چقدر حجم تسهیلات قرض الحسنه بانک ها افزایش یابد از شدت نابرابری درآمدها در کشور کاسته می شود و یا در اصطلاح توزیع درآمد بهبود می یابد»؛ همچنین به منظور تطبیق تئوری های اقتصادی با واقعیت های جامعه، روابط علی بین متغیرها را با استفاده از آمار و ارقام مورد بررسی قرار می دهیم و پس از تطبیق با تئوری ها فرضیه ارائه شده را با استفاده از آمار استنتاجی و روش های اقتصادسنجی به منظور قضاوت در خصوص رد یا اثبات فرضیه ارائه شده مورد آزمون قرار می دهیم .

بیان مفاهیم

قرض الحسنه^۱

قرض الحسنه از دو واژه (قرض و حسنه) ترکیب یافته است. واژه قرض که در معادل فارسی آن وام است در لغت به معنای بردن و قطع کردن است (فراهیدی ۱۴۱۰ق، ج ۵ ص ۴۹) و به چیزی که انسان آن را از مال خود به دیگری داده که آن را بعدا به او باز گرداند قرض گفته می شود (طریحی ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۲۲۶) وجه تسمیه ی عملیات مزبور به (قرض) این است که انسان با انجام این کار مقداری از پول و دارایی خود را هر چند موقتی از خود جدا کرده و ارتباط خویش را از آن قطع می کند. دومین واژه کلمه (حسنة) است که به معنای زیبا و نیکو می باشد، بنابراین معنای لغوی قرض الحسنه این است که انسان مقداری از دارایی خود را به نحو نیکو و شایسته به دیگری وام بدهد و مراد از وام دادن به نحو نیکو در اسلام این است که انسان مقداری از مال حلال خود را با نیت خالص برای مصرف در امور حلال در اختیار برادر دینی خود قرار دهد.

قرض در اصطلاح فقها به (انشاء تملیک عین یا ضمانت عین یا مثل آن) تعریف شده است (مشکینی، بی تا، ص ۴۲۳) امام خمینی (در باره معنای فقهی قرض می فرماید: قرض تملیک مال فرد دیگر به همراه ضمانت است بدین معنا که قرض گیرنده متعهد پرداخت نفس یا مثل و یا قیمت آن است. به تملیک کننده (قرض دهنده) مقرض و به کسی که به او تملیک گردیده است (قرض گیرنده) مقترض یا مستقرض اطلاق می شود. (موسوی خمینی، ۱۴۰۶ق، ص ۵۵۹)

۱. Gharz al-Hasaneh

توزیع درآمد^۱

توصیف درجه نابرابری موجود بین افراد یک کشور و تشریح چگونگی سهم افراد مختلف یک کشور در درآمد ملی را توزیع درآمد می‌گویند (جعفری صمیمی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳-۱۲۴) توزیع درآمد بر دو نوع است: توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید (شامل زمین، نیروی کار و سرمایه) و توزیع درآمد بین گروه‌های مختلف درآمدی (مانند دهک‌های مختلف). البته وظیفه کنترل نابرابری درآمدها برعهده دولت‌ها و سیاست‌های اقتصادیشان است. (راجرفورد^۲، ۲۰۰۷، ص ۱۱۲)

معمولاً برابری درآمدی میان خانوارها بر حسب توزیع درآمد متناسب با سطح درآمد هر خانوار اندازه‌گیری می‌شود. این توزیع در میان طبقات مختلف درآمدی، عموماً "توزیع درآمد برحسب اندازه" نامیده می‌شود. هرچه سهم طبقات با درآمد بالا از درآمد ملی، کمتر باشد و سهم طبقات با درآمد پایین، بیشتر باشد، توزیع درآمد متعادل‌تر در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، توزیع برحسب اندازه به‌طور شهودی یک مفهوم شایان توجه توزیع درآمد است. البته در علم اقتصاد، اغلب توزیع درآمد برحسب سهم‌های درآمدی عوامل تولید تحلیل شده‌اند. از آن‌جا که سهم‌های عامل درآمدهای نسبی متعلقه عوامل تولید مانند نیروی کار و سرمایه را برحسب سهم آن‌ها در ارزش افزوده اندازه‌گیری می‌کنند، آن‌ها را "توزیع کارکردی درآمد" می‌نامند. در واقع، تحلیل توزیع کارکردی درآمد یکی از مقوله‌های اصلی اقتصاد توسعه بوده است. (هایامی، ارمکی آزاد، ۱۳۸۰، ص ۲۱۶ - ۲۱۴)

روش اندازه‌گیری توزیع درآمد

سهم نسبی درآمدی دهک‌ها

یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مشکل شاخص ضریب جینی آن است که اصل انتقال نزولی (اصل حساسیت نسبی) در آن صدق نمی‌کند، به عبارت دیگر اندازه این شاخص به درآمد افرادی که انتقال درآمدی بین آنان انجام می‌شود بستگی ندارد بدین معنی که حساسیت شاخص نسبت به انتقال درآمدی، هنگام با افزایش درآمد افراد درگیرانتقال ترقی می‌کند تا به حداکثر خود در نقطه نمای الگوی توزیع می‌رسد و سپس با افزایش مجدد درآمدها به تدریج از مقدار آن کاسته می‌شود. میزان حساسیت نسبی ضریب جینی به انتقالات درآمدی بین افراد جامعه بستگی به تعداد افرادی دارد که در رتبه‌بندی درآمدها بین افراد درگیر انتقال قرار می‌گیرند پس اگر مقدار معینی درآمد بین دو فرد پردرآمد و همین مبلغ بین دو فرد کم درآمد انتقال یابد (به شرط آنکه تعداد افراد رتبه بندی شده بین دو فرد پردرآمد و دوفرد کم درآمد یکسان باشد) میزان تغییر در ضریب جینی یک

1. Income Distribution

2. Rutherford

اندازه است در حالی که با پذیرش اصل حساسیت نسبی انتظار آن است که هر چه افراد درگیر انتقال کم درآمد تر باشند، تاثیر انتقال درآمدی بر اندازه ی شاخص نابرابری بیشتر می شود و برعکس. همین ویژگی یعنی دادن اهمیت یکسان به انتقالات درآمدی بین افراد با درآمدهای متفاوت با فرض ثابت ماندن سایر شرایط موجب می شود که استفاده از ضریب جینی برای نشان دادن نابرابری درآمد توزیع های مختلف و رتبه بندی آن ها (هنگامی که منحنی لورنز آنها همدیگر را قطع می کنند) دچار اشکال و ابهام شود (کفائی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳-۱۱۲) لذا ما برای پرهیز از این مشکل از شاخص "سهم نسبی درآمدی دهک ها" استفاده می کنیم.

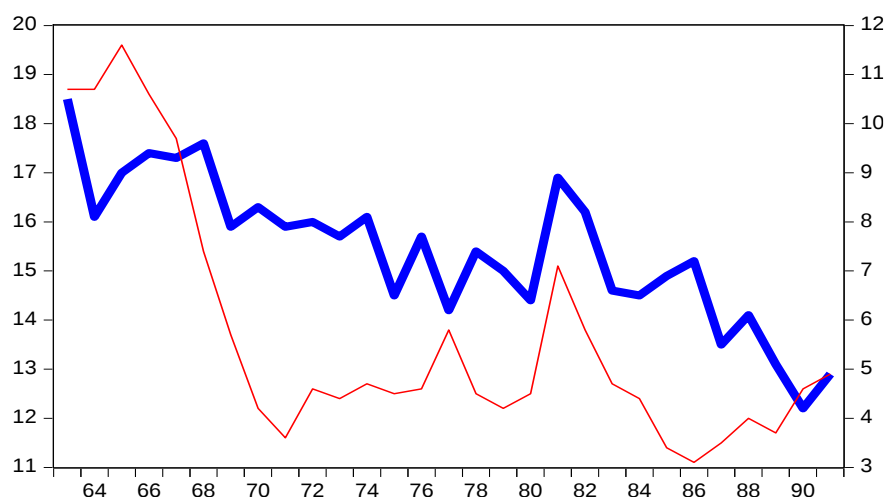
سهم نسبی درآمدی دهک ها (به مثابه حالت خاصی از چندک های درآمدی مانند چارک ها، پنجم ها، دهک ها و از این قبیل) و ترکیب منتخب آن (مانند سهم نسبی درآمدی چهل درصد افراد کم درآمد، چهل درصد افراد با درآمد) به طور وسیع مورد استفاده قرار می گیرد و محتوی مفهومی آن ها نیز بسیار ساده، ماموس و قابل درک است، اما بیش از آن که یک شاخص نابرابری الگوی توزیع درآمد باشند، حالات خاصی از نحوه ی نمایش این الگوی توزیع هستند.

هر دهک مبین ده درصد از افراد جامعه ی مفروض است. بنابراین با توجه به نحوه ی مرتب کردن افراد در الگوی توزیع درآمد، دهک اول نشان دهنده ی ده درصد افراد دارای کم ترین درآمد و به همین ترتیب دهک دهم نشان دهنده ده درصد افراد دارای بیش ترین درآمد می باشد.

سهم نسبی درآمدی دهک ها (و یا ترکیب های منتخب آن) نشان دهنده ی نسبی (درصدی) از کل درآمد جامعه است که در اختیار هر دهک (یا ترکیب های منتخب آن) قرار دارد. واضح است که اندازه ی مقداری این سهم نسبی به موازات بزرگ تر شدن رتبه ی دهک ها افزایش می یابد، لذا براین اساس، نسبت سهم نسبی درآمدی دهک دهم به سهم نسبی درآمدی دهک اول شاخصی است که شدت نسبی نابرابری درآمدی میان پردرآمدترین و کم درآمدترین دهک های جامعه را اندازه گیری می کند.

بررسی نموداری

نمودار ۱. روند تغییرات سهم نسبی درآمدی دهک‌ها (نسبت سهم نسبی درآمدی دهک دهم به سهم نسبی درآمدی دهک اول) و سهم تسهیلات قرض الحسنه از کل تسهیلات اعطایی نظام بانکی در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۱



روند تغییرات نسبت سهم نسبی درآمدی دهک دهم به دهک اول

روند تغییرات سهم تسهیلات قرض الحسنه از کل تسهیلات اعطایی نظام بانکی

با توجه به نمودار شماره ۱ روند تغییرات نسبت سهم نسبی درآمدی دهکی (دهک دهم به سهم نسبی درآمدی دهک اول) به صورت ملایم همواره رو به کاهش بوده است که این امر نشان از بهبود توزیع درآمد در خانواده‌های ثروتمند می‌باشد، اما همین روند کاهش در سهم تسهیلات قرض الحسنه که با سرعت بیشتری نیز اتفاق افتاده، نشان از کاهش سهم تسهیلات مذکور از کل تسهیلات اعطایی نظام بانکی ایران در سال‌های مورد مطالعه دارد.

روش اجرا

با توجه به مبانی نظری و مدل ارائه شده، اکنون به یافتن پاسخی برای این سوال می‌باشیم که آیا حجم تسهیلات قرض الحسنه بر کاهش نابرابری درآمد تاثیرگذار بوده است یا نه؟ در این مطالعه از روش «خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی گسترده» (ARDL) استفاده می‌شود. روش ARDL را

پسران و شین^۱ (۱۹۹۶)، پسران و پسران^۲ (۱۹۹۷)، پسران واسمیت^۳ (۱۹۹۸)، پسران و همکاران^۴ (۲۰۰۱) معرفی کرده اند. این روش از محاسن ویژگیهای نسبت به روش های قبل مانند یوهانسون برخوردار است، اول اینکه این رویکرد روشی بهتر و معنادارتر برای تعیین روابط هم جمعی در نمونه های کوچک بوده است، در حالی که تکنیک یوهانسون به نمونه های بزرگتری نیاز دارد. دوم اینکه اجزای بلندمدت و کوتاه مدت را به طور همزمان تخمین می زند و مشکلات مربوط به متغیرهای از قلم افتاده و خود همبستگی را برطرف می کند. سوم اینکه صرف نظر از درج هم جمعی تخمین ها، سعی در تشخیص و تخمین مدل دارد. چهارم اینکه، این رویکرد بین متغیرهای وابسته و توضیحی تفاوت قائل می شود و مشکل درون زایی را حل می کند.

آزمون تجربی رابطه تسهیلات قرض الحسنه و توزیع درآمد

به طور کلی روش هایی مانند انگل گرنجر در مطالعه هایی که با نمونه های کوچک (تعداد مشاهددهای کم) سروکار دارند، به علت در نظر نگرفتن واکنش های پویای کوتاه مدت موجود بین متغیرها، اعتبار لازم را ندارند چرا که برآوردهای حاصل از آنها بدون تورش نبوده و در نتیجه، انجام آزمون فرضیه با استفاده از آمارهای آزمون معمول بی اعتبار خواهد بود. به همین علت استفاده از الگوهایی که پویایی های کوتاه مدت را در خود داشته باشند و به برآورد ضرایب دقیق تری از الگو بینجامند، مورد توجه قرار می گیرند. به طور کلی الگوی پویا، الگویی است که در آن وقفه های متغیرها نیز وارد شوند مانند الگوی ذیل (نوفرستی، ۱۳۷۸، ص ۳۸)

$$Y_t = \alpha X_t + \beta X_{t-1} + \delta Y_{t-1} + U_t$$

اما برای کاهش تورش مربوط به برآورد ضرایب الگو در نمونه های کوچک، بهتر آن است که تا حد امکان از الگویی استفاده کنیم که تعداد وقفه های فراوانی را برای متغیرها در نظر بگیرد، الگویی مانند الگوی ذیل:

$$\phi(L, P) Y_t = \sum_{i=1}^k b_i(L, q_i) X_{it} + cW_t + u_t$$

الگوی فوق یک الگوی خودهمبسته با وقفه های توزیعی^۵ نام دارد که آن را با ARDL که در آن

:

$$\phi(L, P) = 1 - \phi_1 L - \phi_2 L^2 - \dots - \phi_p L^p$$

$$b_i(L, q_i) = b_{i0} + b_{i1} L + \dots + b_{iq} L^q, \quad i = 1, 2, \dots, k$$

1. Pesaran & Shin
2. Pesaran & Pesaran
3. Pesaran & Esmit
4. Pesaran & et al
5. Auto Regressive Distributed Lag

L عملگر وقفه، W برداری از متغیرهای ثابت مثل عرض از مبدأ، متغیرهای مجازی، روند زمانی یا متغیرهای برونزای با وقفه ثابت است. نرم افزار مایکروفتیت معادله را برای تمام حالت ها و برای تمام ترتیبات ممکن مقادیر یعنی به تعداد $(m+1)^{k+1}$ بار برآورد. m حداکثر وقفه است که به وسیله محقق تعیین میشود (همان، ص ۴۱) می کند.

در مرحله بعد با استفاده از یکی از معیارهای آکائیک^۱، شوارز-بیزین^۲، حنان کوئین^۳ یا ضریب تعیین تعدیل شده یکی از معادله‌ها انتخاب می شود. به طور معمول در نمونه‌های کمتر از ۱۰۰، از معیار شوارز-بیزین استفاده می شود تا درجه آزادی فراوانی از دست نرود.

حال برای بررسی اینکه رابطه بلندمدت حاصل از این روش، کاذب نیست دو راه وجود دارد:

در روش اول فرضیه ذیل مورد آزمون قرار می گیرد:

$$H_a = \sum_{i=1}^p \phi_i - 1 < 0 \quad H_o = \sum_{i=1}^p \phi_i - 1 \geq 0$$

فرضیه صفر بیانگر عدم وجود هم جمعی یا رابطه بلندمدت است چرا که شرط آنکه رابطه پویای کوتاه مدت به سمت تعادل بلندمدت گرایش یابد، آن است که مجموع ضرایب کمتر از یک باشد. برای آزمون پیش گفته کافی است تفاضل عدد یک را از مجموع ضرایب با وقفه متغیر وابسته محاسبه کرده و بر مجموع انحراف معیار ضرایب یادشده تقسیم کنیم.

$$T = \frac{\sum_{i=1}^p \phi_i - 1}{\sum_{i=1}^p S\phi_i}$$

در این رابطه S انحراف معیار ضریب باوقفه متغیر وابسته را نشان می دهد و اگر قدر مطلق t به دست آمده از قدر مطلق مقادیر بحرانی ارائه شده به وسیله بنرجی، دولادو و مستر^۴ (۱۹۹۲) بزرگتر باشد، فرضیه صفر را رد کرده و وجود یک رابطه بلندمدت را می پذیریم (همان، ص ۵۹). در روش دوم استفاده از جدول پسران و دیگران (۱۹۹۶) برای آزمون F می باشد.

در این روش وجود رابطه بلند مدت بین متغیرهای تحت بررسی به وسیله محاسبه آماره F برای آزمون معناداری سطوح با وقفه متغیرها در فرم صحیح خطا مورد آزمون قرار می گیرد. نکته مهم آن است که توزیع F مذکور غیر استاندارد است. پسران مقادیر بحرانی مناسب را متناظر با تعداد رگر سورها و این که مدل شامل عرض از مبدأ و روند است یا خیر محاسبه کردند. آنها دو گروه از مقادیر بحرانی را ارائه کردند: یکی بر این اساس که تمام متغیرها پایا هستند و دیگری بر این اساس که همگی ناپایا (با یک بار تفاضل گیری پایا شده) هستند. اگر F محاسباتی در خارج این مرز

۱. Akaike

۲. Schwarz Bayesian

۳. Hannan- Quoein

4. Banerjee & Dolado & Mestre

قرار گیرد، یک تصمیم قطعی بدون نیاز به دانستن این که متغیر ها $I(0)$ یا $I(1)$ باشند، گرفته می شود. اگر F محاسباتی فراتر از محدوده بالایی قرار گیرد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلند مدت رد شده و اگر پایین محدوده پایینی قرار گیرد، فرضیه صفر مذکور پذیرفته می شود، اگر هم F محاسباتی در بین محدوده قرار گیرد، نتایج استنباط، غیر قطعی و وابسته به این است که متغیرها $I(0)$ یا $I(1)$ باشند. تحت این شرایط مجبور به انجام آزمون های ریشه واحد روی متغیر ها هستیم. (تشکینی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸-۱۳۷) در این نوشتار از روش دوم برای بررسی وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها استفاده می شود.

برخی روش ها به علت در نظر نگرفتن واکنش پویای کوتاه مدت موجود بین متغیرها اعتبار لازم ندارند؛ چرا که برآوردهای حاصل از آنها بدون تورش نبوده و در نتیجه انجام آزمون فرضیه با استفاده از آماره های معمول t معتبر نخواهد بود. به همین علت استفاده از الگوهایی که پویایی کوتاه مدت را در خود داشته باشند و به برآورد ضرایب دقیق تر از الگو بینجامند، مورد توجه قرار می گیرند. $ARDL$ روشی است که پویایی کوتاه مدت بین متغیرها را در نظر گرفته و رابطه بلندمدت را نیز مورد برآورد قرار می دهد. نتیجه های بدست آمده از برآورد مدل به صورت زیر می باشد:

آزمون ریشه واحد^۱

پیش از تخمین، مانا یا نامانا بودن تمام متغیرهای مدل به وسیله روشهای دیکی فولر افزوده (ABF) و ریشه واحد پرون (Perron) آزمون می شود.

جدول ۲. آزمون های ریشه واحد فیلپس پرون و دیکی فولر افزوده

متغیر	آزمون دیکی - فولر افزوده			آزمون فلیپس - پرون		
	آماره ABF	مقدار بحرانی ۵٪	مانایی	آماره PP	مقدار بحرانی ۵٪	مانایی
SN	-۴,۷	-۳,۵	$I(0)$	-۴,۷	-۳,۵	$I(0)$
Y_p	-۲,۹۸	-۲,۹۹	$I(1)$	-5.6	-2.9	$I(1)$
Y_p^2	-۳,۴	-۳,۶	$I(1)$	-۴,۳	-۳,۵	$I(1)$
A	-10.1	-3.5	$I(2)$	-7.7	-2.9	$I(2)$

منبع: یافته های تحقیق

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می شود، مطابق آزمونهای دیکی فولر افزوده و فلیپس متغیرهای Y_p و Y_p^2 و A نامانا و انباشته (Integrate) و از درجه واحد هستند و سطح این متغیرها

1. Unit Root Test

تحت تأثیر شوکهای دائمی قرار می گیرد به طوری که پس از هر تغییری گرایش برای بازگشت به سمت روند خطی مشخصی را ندارند ولذا متغیرهای Y_p و Y_p^2 با یکبار تفاضل گیری و متغیر A با دوبار تفاضل گیری مانا می شود.

یافته های تخمین ضرایب کوتاه مدت مدل برآورد شده از روش ARDL

با توجه به تعداد مشاهدات و داده های سال های ۱۳۹۱-۱۳۶۳ حداکثر تعداد وقفه را ۳ در نظر گرفته و بر اساس معیار آکائیک مدل $ARDL(2,3,3,2)$ برآورد شده است. جدول نتایج ۳ مربوط به تخمین ضرایب کوتاه مدت مدل را نشان می دهد.

جدول ۳. نتیجه های حاصل از برآورد مدل $ARDL(2,3,3,2)$

متغیر های مدل	ضریب	آماره t	سطح معناداری
$Sn(-1)$	-.38951	-1.8885	[.086]
$Sn(-2)$	.42578	2.1419	[.055]
Y_p	-1.5526	-4.3499	[.001]
$Y_p(-1)$	.18128	.56578	[.583]
$Y_p(-2)$	-.67634	-1.9079	[.083]
$Y_p(-3)$	1.3329	3.6744	[.004]
Y_p^2	.052213	4.4949	[.001]
$Y_p^2(-1)$	-.0061170	-.55341	[.591]
$Y_p^2(-2)$	.027649	2.1552	[.054]
$Y_p^2(-3)$	-.059146	-4.1429	[.002]
A	.8113E-4	2.6399	[.023]
$A(-1)$	.1657E-3	3.5306	[.005]
$A(-2)$	-.4004E-3	-4.5519	[.001]
c	21.9026	3.5987	[.001]
R-squared= 0.91	R-bar-squared= 0.80	F = 8.6574[.001]	

منبع: یافته های تحقیق

در جدول با توجه به نتایج مشاهده می شود که تمام ضرایب به جزء $Y_p(-1)$ و $Y_p^2(-1)$

معنادار بوده و متغیر حجم تسهیلات قرض الحسنه نیز با دو وقفه اثری منفی بر توزیع درآمد دارد؛ و با توجه به آماره F کل مدل در سطح خطای ۱ درصد معنادار می‌باشد. همچنین آماره های R^2 و R^2 بار نشان می‌دهد که متغیرها قدرت توضیح دهنده بالایی بر متغیر نسبت سهم درآمد دهکی دارند.

همان‌طور که گفته شد از مزیت‌های برآورد الگوی پویا این است که می‌توان به وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها پی برد. (پسران و شین، ۱۹۹۹) آماره F محاسباتی برابر $۶/۲۲۲۰$ است که از مقادیر بحرانی (اگر ۳ وقفه باشد، در این صورت حد پایین و بالای مقادیر بحرانی با سطح اطمینان ۹۹ درصد در حالت دارای عرض از مبدا و بدون روند، به ترتیب $۴/۳۸۵$ و $۵/۶۱۵$ است) بزرگتر است. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر نبودن رابطه بلندمدت با سطح اطمینان ۹۹ درصد رد می‌شود، بنابراین بین متغیرهای مدل مذکور رابطه بلندمدت برقرار است.

یافته های تخمین ضرایب بلند مدت مدل برآورد شده از روش ARDL

جدول ۴. نتیجه های حاصل از برآورد الگوی بلندمدت

متغیرهای مدل	آماره t	ضریب	سطح معناداری
[.028]	-2.5353	-.74164	Y_p
[.138]	1.5979	.015148	Y_p^2
[.015]	-2.8915	-.1594E-3	A
[.000]	۱۰,۰۴۲۷	22.7270	C

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به ضرایب به دست آمده برای Y_p و Y_p^2 فرضیه کوزنتس در بلندمدت برای ایران رد می‌شود که البته مطالعات نیلی و فرح بخش (۱۳۷۷)، مهدوی عادل و رنجبرکی (۱۳۸۴) و ناجی میدانی (۱۳۷۵) نیز مثل این مطالعه نادرستی فرضیه کوزنتس را در ایران نشان داده است، اثر حجم تسهیلات قرض الحسنه نیز بر توزیع درآمد اثر معناداری با ضریب $(1594E-3)$ بوده است که با توجه به دارا بودن علامت منفی منجر به کاهش فاصله طبقاتی و بهبود توزیع درآمد می‌گردد.

نتایج آزمون تصحیح خطا (ECM) مدل برآورد شده از روش ARDL

مدل تصحیح خطای مرتبط با رابطه تعادلی بلندمدت که از روش ARDL برآورد شده در جدول زیر آمده است.

جدول ۵. نتیجه‌های حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطا

سطح معناداری	آماره t	ضریب	متغیرهای مدل
[.050]	-2.1419	-.42578	dSn1
[.001]	-4.3499	-1.5526	Y_p
[.049]	-2.1537	-.65657	dY_p1
[.003]	-3.6744	-1.3329	dY_p2
[.001]	4.4949	.052213	dY_p2
[.009]	3.0225	.031498	dY_p21
[.001]	4.1429	.059146	dY_p22
[.019]	2.6399	.8113E-4	dA
[.000]	4.5519	.4004E-3	dA1
[.003]	3.5987	21.9026	dC
[.002]	-3.9065	-.96373	ecm(-1)

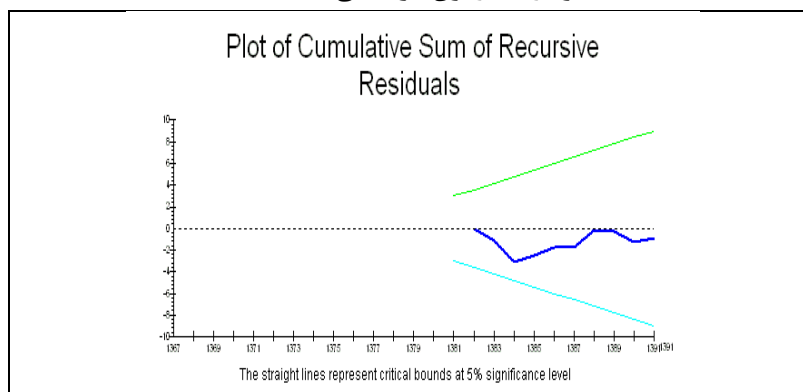
منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدو، ضریب تصحیح خطا برابر با مقدار ۹۶ در صد می باشد که نشان دهنده این است که در هر دوره ۹۶ در صد شوک وارده در کوتاه مدت به سمت دوره بلندمدت تعدیل می‌یابد که این نشان دهنده سرعت تعدیل بالا می باشد.

نتایج بررسی پایداری مدل برآورد شده برآورد شده از روش ARDL

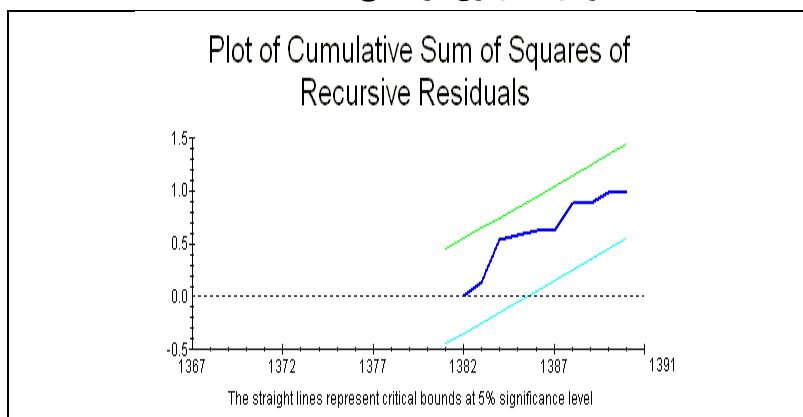
برای بررسی پایداری ضرایب تخمین زده شده در (ARDL) در روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی الگوی بلندمدت می‌توانیم از پویایی‌های الگوی کوتاه مدت استفاده کنیم. در این بخش از آزمون‌های گرافیکی CUSUM و CUSUMSQ برای جملات باقیمانده‌ها الگوی کوتاه مدت استفاده می‌شود. این آزمون‌ها به صورت گرافیکی ارائه می‌شود و اگر نمودار مجموع تراکمی باقیمانده‌های بازگشتی و مجذور آن داخل آزمون ناحیه بین دو خط بحرانی در سطح ۵ درصد قرار ارائه گیرد، رابط بلندمدت پایدار خواهد بود و پایداری ضرایب برآورد شده مورد تأیید قرار می‌گیرد، اما اگر مجموع تراکمی باقیمانده‌های بازگشتی خارج از ناحیه بین دو خط بحرانی در سطح ۵ درصد قرار گیرد، رابط بلندمدت ناپایدار خواهد بود و به عبارت دیگر، پایداری رابطه بلندمدت در دوره‌های زمانی مختلف با مخاطره مواجه خواهد شد.

نمودار ۲. آزمون گرافیکی CUSUM



منبع: یافته های تحقیق

نمودار ۳. آزمون گرافیکی CUSUMSQ



منبع: یافته های تحقیق

همان طور که ملاحظه می شود نمودارهای CUSUM و CUSUMSQ در ناحیه بین دو خط بحرانی در سطح 5 درصد قرار گرفته است. این نتیجه بیانگر این مطلب است که پایداری الگوی بلندمدت در بلندمدت قابل تأیید است و فرضیه صفر مبنی بر استحکام ضرایب برآورد شده در سطح معناداری 5 درصد رد نمی شود.

نتیجه‌گیری

هدف از این مقاله بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت بین تسهیلات قرض‌الحسنه به عنوان متغیر توضیحی و توزیع درآمد به عنوان متغیر وابسته بود که با استفاده از داده‌های سری زمانی بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۶۳ و روش مدل خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL) مبتنی بر فرضیه کوزنتس مورد بررسی قرار گرفت. در این مقاله از متغیر سهم درآمدی دهکی به عنوان شاخص توزیع درآمد استفاده گردید، چرا که شدت نسبی نابرابری درآمدی میان پردرآمدترین و کم درآمدترین دهک‌های جامعه را دقیق‌تر اندازه‌گیری می‌کند. نتایج با رد فرضیه کوزنتس در ایران به طور کلی نشان‌دهنده اثر معنادار تسهیلات قرض‌الحسنه بر بهبود توزیع درآمد بود، به طوری که یک واحد افزایش در تسهیلات قرض‌الحسنه منجر به $0/1594E-3$ واحد بهبود در توزیع درآمد در جامعه می‌شود و ضریب تصحیح خطا با مقدار $0/96$ نشان‌دهنده این است که در هر دوره ۹۶ درصد شوک وارده در کوتاه‌مدت به سمت مقادیر بلندمدت تعدیل می‌یابد که این سرعت تعدیل بالایی است و تقریباً در همان دوره اثر شوک‌های وارده تعدیل می‌شود.

در این پژوهش توجه به دو نکته ضروری است:

(۱) با توجه به نمودار شماره ۱ سهم تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی از زمان شروع قانون بانکداری بدون ربا یعنی سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۹۱ روندی کاهشی را داشته است که نشان‌دهنده کاهش سهم این نوع از تسهیلات نسبت به سایر تسهیلات بانکی در کشور است.

(۲) بخش مهمی از منابع قرض‌الحسنه بانک‌ها به مصرف وام رفع احتیاج کارکنان خود آن بانک‌ها می‌رسد، به گونه‌ای که در یکی از بانک‌های کشور حدود نیمی از کل وام‌های قرض‌الحسنه اعطایی به کارکنان خود آن بانک تعلق گرفته است. (دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲)

لذا با توجه به نقش تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی در برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم‌درآمد و ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات مزبور در جهت بهبود توزیع درآمد و تثبیت درآمد بین نیازمندان و عدم تمرکز ثروت بین ثروتمندان، پیشنهاد سیاستی به نظام بانکی کشور در سه مرحله به شرح ذیل بیان می‌گردد:

اولاً: با اجرائ سیاست‌های تشویقی مناسب و بیان آثار معنوی و پاداش اخروی این عمل حسنه، انگیزه‌ی افراد را در سپرده‌گذاری این نوع از حساب‌ها بیش از گذشته افزایش داد.

ثانیاً: با توجه به آثار رفاهی سپرده‌های قرض‌الحسنه و نقش مؤثر این نوع از حساب‌ها در بهبود توزیع درآمد میان اقشار نیازمند جامعه، با کاهش نرخ ذخایر قانونی سپرده‌های قرض‌الحسنه، سهم این نوع از تسهیلات را نسبت به سایر تسهیلات بانکی افزایش داد.

ثالثاً: با کنترل و نظارت دقیق در واگذاری این نوع از تسهیلات به اقشار نیازمند، ضمن تأمین هدفگذاری‌های تعیین شده توسط قانونگذار، در جهت گسترش سنت الهی قرض‌الحسنه و بهبود توزیع درآمد در جامعه گام برداشت.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی سالاری، تقی (۱۳۸۷)، رویکرد مقایسه‌ای ارتباط رشد و توزیع درآمد از دیدگاه اسلام، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد - دانشکده علوم اداری و اقتصادی، http://www.civilica.com/Paper-IEDC01-IEDC01_013.html
- ابونوری، اسماعیل و قاسمی تازه آبادی، افسانه (۱۳۸۶)، «ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از داده های پانل بین استانی)»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۸.
- ابونوری، اسماعیل؛ خوشکار، آرش و داودی، پدارم (۱۳۸۷)، شاخصهای اقتصادی و توزیع درآمد در میان کشورهای اسلامی، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده علوم اداری و اقتصادی.
- احمد، عثمان؛ ترجمه علی تک روستا (۱۳۹۰)؛ بانکداری اسلامی در عمل؛ تهران، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- احمدی، علی محمد، غفاری، حسن محمد، وفايي يگانه، رضا (۱۳۸۷)، «بررسی تأثیر قرض الحسنه بر توزیع درآمد»، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- بختیاری، صادق، میسمی، حسین، و سلیمانی، محمد (۱۳۹۱)، «نابرابری درآمدی از دیدگاه اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصادی، س ۵، ش ۱، صص ۸۳-۱۰۱.
- تابلی، حمید، کوچک زاده، اسماء (۱۳۹۲) «بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در کشورهای اسلامی منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال ششم، پیاپی ۱۱، صص ۹۱-۱۰۶.
- تابلی، حمید؛ کوچک زاده، اسماء (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در کشورهای اسلامی منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی، دوفصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، دوره ۶، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۹۲، صفحه ۹۱-۱۰۶.
- تودارو، مایکل؛ غلامعلی فرجادی (۱۳۸۴) توسعه اقتصادی در جهان سوم، تهران، کوهسار، چاپ سیزدهم صص ۱۴۵-۱۴۲.
- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۴)، اقتصاد بخش عمومی (۱)، تهران، سمت، چاپ هفتم، صص ۱۲۳-۱۲۴.
- جندقی میبدی، فرشته (۱۳۸۷)، «رابطه عقود اسلامی در سیستم بانکی با کاهش فقر»، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۴). «الحیاه»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، جلد ۶، صص ۳۴۶.
- رهبر، فرهاد و پور رستمی، ناهید (۱۳۹۱)، معیارهای دخالت دولت در اقتصاد، انتشارات دانشگاه تهران،

تهران، چاپ اول.

صدر، سید محمدباقر، اقتصاد ما، محمد کاظم موسوی، (تهران: انتشارات اسلامی)، ج ۱، ص ۴۲۶-۴۲۴.
طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرين، چ سوم، تهران، کتاب فروشی مرتضوی.
طییبی، سید کمیل؛ عباسلو، یاسرو بیاری، لیلی (۱۳۸۷)، عوامل تعیین کننده نابرابری اقتصادی در کشور
های منتخب اسلامی با تأکید بر نقش اقتصاد اسلامی، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد،
دانشگاه فردوسی مشهد.

عرب مازار، عباس و کیقبادی، سعید (۱۳۸۵)، «جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکداری ایران»، مجله
اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی شماره ۱۶.
فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، چ دوم، قم، هجرت.
کفائی، سید محمدعلی، نصیری، حسین (۱۳۸۸)، «معرفی و برآورد دو شاخص جدید نابرابری توزیع درآمد
برای ایران: جینی تک پارامتری و آتکینسون-جینی»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، ص ۱۳۸-
۱۰۵.

کمیحانی، اکبر و محمدزاده، فریدون (۱۳۹۳)، «تأثیر تورم بر توزیع درآمد و عملکرد سیاست های
جبرانی»، فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره ۶۹، صفحات ۲۴-۵.
گزارش دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس (۱۳۹۲)، ۵۰ «در صد وام های قرض الحسنه
کجا می رود؟»، اقتصاد آسیا، شماره ۵۱۸، ص ۳۵

محقق نیا، محمد جواد (۱۳۸۹) «بررسی جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران»
معرفت اقتصادی، سال اول، شماره اول، بهار، ص ۱۴۱-۱۶۲.

مشکینی، علی (بی تا)، مصطلحات الفقه، بی جا، بی نت
مهدوی عادل، محمد حسین و رنجبر کی، علی (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه بلند مدت بین رشد اقتصادی و
توزیع درآمد در ایران»، نشریه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱۸.

مهرگان، نادر، الهه، محسنی، (۱۳۸۶)، «تورم و نابرابری درآمد در اقتصاد ایران»، تهران، پژوهشکده اقتصاد
دانشگاه تربیت مدرس (همایش دولت و عدالت اقتصادی).

مهرگان، نادر، موسایی، میثم، کیهانی حکم، رضا (۱۳۸۷)، «رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران»،
فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸.

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۰۶ق)، تحریر الوسیله، چ ۲، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،
(۱۴۲۲ق)، استفتانات چ ۵، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

موسویان، سید عباس، ورمزیاری، بهروز (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر بانکداری بدون ربا بر رشد اقتصادی در
ایران»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۱۲، شماره ۴۸.

نوفرستی، محمد (۱۳۷۸)، «ریشه واحد و هم جمعی در اقتصاد سنجی»، چ ۱، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

نیلی، مسعود و فرح بخش، علی (۱۳۷۷)، «ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۴-۳۵.

هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۷۶)، درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن، رساله کارشناسی ارشد به راهنمایی اکبر کمیجانی، قم: دانشگاه مفید.

هایامی، یوجیر؛ غلامرضا آزاد (۱۳۸۰)، اقتصاد توسعه از فقر تا ثروت ملل، تهران، نی، چاپ اول، ص ۲۱۶-۲۱۴.

Abduh, Muhamad & Azmi Omar, Mohd; (2012) "Islamic banking and economic growth: the Indonesian experience"; International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, Vol. 5

Ahlwalia, M.S. (۱۹۷۶). Inequality, Poverty, and Development, journal of Development Economics 3.

Anand, S. and S.M.R. Kanbur. (1993). Inequality Development: A critique, Journal of Development Economics. Mario I. and Isabel Guerrero (1988). The Impact of Macro Economic Policies on Income Distribution: An Empirical study, IMF Working Paper, July, No. 51.

Campano, F. and D. Salvatore. (1998). Economic Development, Income Distribution and the Kuznets Hypothesis, Journal of Policy Modeling, Vol. 10, June.

Chu, K., H. Davoodi and S. Gupta (2000), Income Distribution and Tax and Government Social Spending Policies in Developing Countries, IMF Working Paper, No. 00/62, Washington, International Monetary Fund. Development Economics.

Furqani, H. & Mulyany, R; (2009) "Islamic banking and economic growth: empirical evidence from Malaysia"; Journal of Economic Cooperation and Development, Vol. 30

Iceland, J., L. Kenworthy and M. Scopilliti (2005), Macroeconomic Performance and Poverty in the 1980s and 1990s: A State-Level Analysis, IRP Discussion Papers and Reprints, Also See: www.u.arizona.edu.

Kuznets, S. (1995). Economic Growth and Income Inequality, American Economic Review 45.

Olalla, L. F. and F. Vella (2005), Macroeconomic Activity and the Distribution of Income in Spain, Working Paper, European University Institute, No. 45

Papanek, G. and O. Kyn (1986). The Effect on Income Distribution of Development, The Growth Rate and Economic Strategy, Journal of Development Economics 23.

Pesaran, M. H. & Y. Shin; (1999) An Autoregressive Distributed Lag Modelling

- Approach to Cointegration Analysis; In: M. Hashem Pesaran and Yongcheol Shin, Editors, *Econometrics and Economic Theory in the 20th Century: The Ragnar Frisch Centennial Symposium*.
- Pesaran, M. H., & Pesaran, B. (1997) *Working With Microfit 4.0: Interactive Econometric Analysis*, Oxford, Oxford University press.
- Pesaran, M.H. (1995). "An Autoregressive distributed lag modeling approach
- Ram, R. (1988). *Economic Development and Income Inequality: Further Evidence on the U Curve Hypothesis*, *World Development*, Vol. 16, No. 11.
- Rutherford, Donald (2007); *Economics, USA & Canada*, Routledge, First published, Page 1 to cointegration analysis", DAE press.

